

زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۴



علی پوردهقان، ایران

کارشناسان در میز گرد «جوان» درباره اشتغال زنان در گفتمان انقلاب اسلامی گفت‌وگو کردند

زن در گفتمان انقلاب اسلامی نباید از سر ناچاری کار کند

اشتغال زنان یکی از مناقشه‌برانگیز ترين موضوعاتی است که در حوزه زنان و خانواده مطرح می‌شود و همواره موافقان و مخالفانی را در برابر خود به‌صَف می‌کند. این مسئله و وقتی بیشتر حساسیت‌برانگیز می‌شود که با مشارکت اجتماعی و حضور فعال زنان گروه می‌خورد و باز نمایی اشتغال زنان در جامعه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که انگار زن خانهدار شأن و جایگاهی ندارند

اشتغال زنان یکی از موضوعات حساسیت‌برانگیز جامعه است. آیا گفتمان انقلاب اسلامی مخالف اشتغال زنان است؟ که به نظر نمی‌آید مخالف باشد و اگر موافق است در چه چار چوب‌ها و ساختاری این اشتغال را می‌پذیرد و توصیه می‌کند؟

دکتر اردبیلی: یک استعاره و روایت ذهنی از اشتغال وجود دارد که با تمام در‌سرها زنان جامعه را به سمت حضور در بازار کار سوق می‌دهد و آن این است که انسان پول‌ساز مفید است. شما اگر بتوانید این روایت را از ذهن افراد پاک کنید و تغییر دهید خیلی اتفاقی‌ها می‌افتد؛ اینکه یک خا می‌در هر شانی و با هر جایگاهی فعالیتی مفید انجام دهد و انتخاب کند این فعالیت مفید چه می‌تواند باشد با استعاره انسان پول‌ساز در تضاد است. زن خانه‌دار ما ممکن است در منزل خود مشغول مفیدترین فعالیت‌ها باشد و اثر آن را هم ببیند اما تصور کند «من هیچ کس نیستم» چون فعالیت‌هایش پول‌ساز نیست؛ یا وجودی که بعد از انقلاب اسلامی بنیاد این انگار تغییر کند اما سال‌هاست شاهد حاکمیت همین استعاره در ذهن اکثر افراد هستیم؛ به گونه‌ای که حتی همسر این خانم خانه‌دار هم به او می‌گوید مگر تو چه کار می‌کنی؟ در حالی‌که او اولویتش همین بوده که همسرش شاغل نباشد. پول در آوردن شده هدف انسان‌ها و اگر فردی پول درنیورد انگار هیچ عملکردی نداشته و عملکردهای مفید غیر پول‌ساز دیده نمی‌شود. دومین آسیب این است که اگر زن می‌خواهد در محیط خانواده و محیط اجتماعی خودش شأنیت داشته باشد حتماً و حتماً باید با همان الگوهای مردانه پول‌ساز باشد. یعنی این نه خودش به‌پیش خودش احترام دارد نه پیش خانواده‌اش و نگویند شما این شغل و این ردیف و این حقوق را در سال داری نه خودش به‌پیش خودش احترام دارد نه پیش خانواده‌اش و نه پیش جامعه. این خانم همیشه خودش را مقایسه می‌کند که اگر من کاری و فلان قدر درآمد داشته باشم شأنم در نگاه همه بالا می‌رود. این الگویی آسیب‌زاست که در ذهن همه ما وجود دارد. نکته بعدی بی‌ارزشی اشتغال خانوادگی زن است. من بین اشتغال خانگی، اشتغال خانوادگی و اشتغال در خانه سه مفهوم متفاوت می‌دانم.

دکتر اردبیلی: اشتغال خانگی و مشاغل خانگی معطوف به درآمد است. یکی شکل خانه‌داری زن است. در حال حاضر بحث ارزش‌گذاری خانه‌داری مطرح است و حتی در هدف پنجم سند ۲۰۳۰ هم به این موضوع ورود کرده و بحث ارزش‌گذاری کار خانهداری را مطرح کرده است؛ نظر شما درباره این شیوه از ارزش‌گذاری برای زنان خانهدار چیست؟

دکتر اردبیلی: ما ارزش افزوده خدمات زن را در خانواده با همان انگاره مادی و پول‌سازی محاسبه می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم چرا کار خانگی زنان ارزشمند است؟ با رویکرد پارادایم اقتصادی اینگونه نگاه می‌شود که این خانم خانه‌دار در خانه غذا می‌پزد، که این کار این مقدار ارزش مادی دارد. از فرزندان هم پرستاری می‌کند که اگر نمی‌کرد باید پرستار می‌گرفتید و این مقدار به پرستار حقوق می‌دادید. خانه را هم تمیز می‌کند که اگر می‌خواستید خدمتکار بیایورید باید این مقدار هزینه می‌دادید. بر همین مبنا رسیدگی به درس پیچها و کارهای دیگر زنان خانه‌دار محاسبه ریالی می‌شود و اینکه زنان خانه‌دار اینقدر ارزش افزوده تولید می‌کنند. بگذریم از اینکه این چرکه‌اندازی‌ها هیچ جایی محاسبه و پرداخت نمی‌شود و شبیه مهریه است که کی داده و کی گرفته! اما نکته آسیب‌زای کار در اینجا نیست بلکه این است که شما نقش مادری و همسری زن را به خدمت‌دهندگی در خانه فرو

بکاهد. در این میان خانواده را هم فرو کاسته‌ایم به جایی که افراد در آن خدمت می‌گیرند؛ اگر نشد هم می‌توانند بروند جای دیگر این خدمات را بگیرند؛ ارزش کار در خانه زن، وری کار خانگی زن است. ارزش کار در خانه زن ارزش محوری فرهنگی – تربینی خانواده و حفظ خانواده و محور فرهنگی – تربیتی جامعه است. این جایگاهی است که بی‌بدیل است و کسی نمی‌تواند نقش آن را ایفا کند و با هیچ عددی قابل محاسبه نیست و این را باید پررنگ کرد. در غیر این صورت حتی اگر مایه‌زای ریالی کار خانگی را به زن پرداخت کنیم همانند این است که این زن به اندازه آشپز و خدمتکار و پرستار توانست نقش آفرینی اقتصادی داشته باشد. در حالی که شأن زنی که مادر و همسر است بسیار بالاتر از اینهاست و ما نهایتاً نقش کارهای خدماتی زن را محاسبه کرده‌ایم و ارزش نقش آفرینی زن در خانواده دیده نشده است.

خانم خادمی **نظر شما درباره اشتغال زنان در گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟**
دکتر خادمی: در موضوع اشتغال زنان نخست باید ببینیم اشتغال را به چه معنایی در نظر می‌گیریم و چگونه تعریف می‌کنیم. اگر اشتغال را به معنای اثر گذاری در حوزه اقتصادی و کمک به اقتصاد یک کشور قلمداد می‌کنیم به طور یقین جمهوری اسلامی با اشتغال زنان مشکلی ندارد. به هر حال نیمی از جامعه ایران زنان هستند و به طور یقین آنها هم باید در حوزه اقصاد نقش آفرینی کنند. همین اثر گذاری در شرایط فعلی و اقتضات فعلی جمهوری اسلامی ایران و در شرایط فعلی و فشارهای دشمن و تمرکز آن در حوزه بحث‌های تحریم‌ها و فشارهای دشمن و تمرکز آن در حوزه معیشت موجب می‌شود تا زن انقلاب اسلامی نتواند در کلان جمهوری اسلامی ایران نسبت به عرصه اقتصاد و معیشت بی‌تفاوت باشد اما در این میحت نکات زیادی مطرح است و در بحث اشتغال زنان تبصره و خط قرمزهای زیادی وجود دارد.

خانم دکتر خادمی! اشتغال زنان در چار چوبی که اشاره داشتید زمانی قابل دستیابی است که شرایط خاص اقتصادی و اجبارهای اجتماعی همچون سرپرستی خانواده زنان را ناگزیر از اشتغال اجباری نکنند اما یک زن سرپرست خانوار مجبور است کار کند تا خرج زندگی خود و خانواده‌اش را در بیاورد. زن سرپرست خانوار کجای گفتمان انقلاب اسلامی جای دارد؟

دکتر خادمی: اتفاقاً وقتی ما درباره اشتغال زنان صحبت می‌کنیم نباید یک نگاه کلی داشته باشیم بلکه بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی زنان در این حوزه دسته‌بندی



چه چار چوب‌ها و ضوابطی را برای حضور اجتماعی زن و نقش آفرینی اجتماعی وی تعریف می‌کند؟ این موضوع محور میز گردی است که روزنامه «جوان» با همکاری سازمان بسیج کارگری برگزار کرده است. دکتر مریم اردبیلی، پژوهشگر و دکترای آینده‌پژوهی و دکتر عاطفه خادمی، دکترای سیاستگذاری فرهنگی در این نشست جایگاه اشتغال زنان در گفتمان انقلاب اسلامی را تبیین کرده و به سوالات ما پاسخ دادند. مشروح این میز گرد را در ادامه می‌خوانید.

چه تبصره‌ها و حرف‌ها و خط قرمزهایی در گفتمان انقلاب اسلامی در باب اشتغال زنان مطرح است؟

خادمی: آن چیزی که در نظام جمهوری اسلامی ایران به واسطه ساختارها در حوزه اشتغال رقم خورده مطلوب گفتمان انقلاب اسلامی نیست. چون با حقیقت زن بودن خیلی فاصله دارد و ساختارهای اشتغال تناسبی با اقتضات زن بودن ندارد و به حضور اجتماعی نزدیک نیست. خانم‌ها الزاماً احساس نمی‌کنند در عرصه اشتغال تأثیر گذار و مولدند. تمرکز استفاده از ظرفیت زنان در کارهای خدماتی و ثانویه تعریف شده است؛ مشاغلی همچون «منشی‌گری» که موجب می‌شود خانم‌ها در اقتصاد کلان جامعه مولد نباشند. مهم‌تر از همه اینکه اتفاقاً اگر بخواهیم همان مدل اشتغال غربی را در ایران پیاده کنیم این مدل اشتغال با روحیات زن ایرانی مسلمان و خاص ایرانی بودنش تناسب ندارد. هیچ جای دنیا زنان به اندازه ایران دلسوز و نسبت به خانواده مادر متعهد نیستند. این را تاریخ کشور مان روایت می‌کند. ما در حوزه اشتغال نمی‌توانیم این ویژگی‌های روحی و اقتضات فکری زن ایرانی را نادیده بگیریم تا چرخه نظام سرمایه‌داری بچرخد. گفتمان انقلاب اسلامی قائل به این است که شرایط اشتغال زنان و نقش آفرینی آنها در ساختار اقتصادی متناسب با مطالبه و خواست و رضایت خودشان باشد و مهم‌تر از همه به اقتضات زن بودنش آسیب نزنند. زن روستایی با میل و رغبت و شاید با تعهد و تعصبی بیشتر از مرد خودش بر سر زمین می‌رود و کار می‌کند؛ چرا؟ چون او خود را در اتصال با نهاد خانواده می‌بیند و متعهد است. به همین خاطر هم با اشتیاق سر کارش حاضر می‌شود؛ اگر چه این کار یک کار ثانویه باشد و اگر چه نسبت به کارش حقوق و مزایای آن چنانی هم نداشته باشد. اما وقتی ما اشتغال زنان را به محیط و شکل و شمایل خاصی محدود می‌کنیم خانم‌ها ناچار می‌شوند در این چارچوب قرار بگیرند.

خانم دکتر خادمی! اشتغال زنان در چار چوبی که اشاره داشتید زمانی قابل دستیابی است که شرایط خاص اقتصادی و اجبارهای اجتماعی همچون سرپرستی خانواده زنان را ناگزیر از اشتغال اجباری نکنند اما یک زن سرپرست خانوار مجبور است کار کند تا خرج زندگی خود و خانواده‌اش را در بیاورد. زن سرپرست خانوار کجای گفتمان انقلاب اسلامی جای دارد؟

دکتر خادمی: اتفاقاً وقتی ما درباره اشتغال زنان صحبت می‌کنیم نباید یک نگاه کلی داشته باشیم بلکه بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی زنان در این حوزه دسته‌بندی می‌شوند. اگر به بسیاری از بانوان شاغل بگویید پول به تو می‌دهیم اما نیازی نیست سر کار بروی متوجه می‌شوی که چه میزان رغبت برای حضور در محیط‌های شغلی فعلی در زنان ما وجود دارد. در اینجا لازم است تأکید کنم گونه‌شناسی زنان خیلی مهم است؛ ما تیپ‌های مختلف زنان را داریم و برای شرایط آنها باید سعی کنیم ارتقایی را تعریف کنیم، نه اینکه نسخه آمرمانی را برای همه بپیچیم. زنی که شاغل است، زنی که دوست دارد خانه‌دار باشد، زنی که ترجیح می‌دهد در مقطعی از زندگی شاغل باشد و در مقطع دیگر خانه‌دار. ما باید برای همه این زنان برنامه داشته باشیم تا بتوانند احساس کرامت، شأن و مفید بودن داشته باشند که در مقاطع مختلف زندگی‌شان جلوه‌های متفاوتی دارند. ما هیچ الگوی منطعی برای این فضا نداریم و در اوج نقش آفرینی زنان که اهمیت حضور فیزیکی‌شان در خانواده خیلی زیاد است و سنین باروری‌شان است، در همان مقطع اوج شکوفایی اجتماعی زن هم تعریف می‌شود، یعنی اگر به شکوفایی اجتماعی بسر گرم شود

خانواده را از دست می‌دهد و اگر مشغول خانواده شود از شکوفایی اجتماعی بازمی‌ماند. زنان نباید محکوم باشند یا این را انتخاب کنند یا آن را. باید یک طیفی از الگوها و مطلوبیت‌ها برای خانم‌ها طراحی شود تا آنها حق انتخاب داشته باشند.

این بر می‌گردد به شرایط اقتصادی نامناسب جامعه ما؛ طبعاً در شأن یک خانم نیست راننده کامیون شود، در شأن یک خانم نیست گوشت و مرغ بفروشد یا در کافی شاپ کارگری کند اما اگر ما این را هم از این خانم‌ها دریغ نکنیم وقتی نیاز اقتصادی‌شان را برطرف نکرده‌ایم ممکن است آنها با چالش‌های دیگری مواجه شوند!

دکتر خادمی: بله درست است اما ما داریم در برخی موارد این را تبدیل به گفتمان می‌کنیم. در حالی که باید الگوهای ملموس و قابل دستیابی برای تمام اقشار جامعه را ارائه دهیم. باید مدل‌ها و الگوهایی که معرفی می‌کنیم با شرایط و اقتضات جامعه ما سازگار باشد و این مدل‌ها را به گفتمان تبدیل کنیم تا زنان ما احساس نکنند عقب مانده‌اند.



نگاه به زن به عنوان یک ابژه جنسی چه آسیب‌هایی را در بر دارد؟

دکتر اردبیلی: بخشی از کار ویژه زن جذب جنسی در نظر گرفته شده است همانطور که دیدگاه سنتی این ابژه جنسی بودن و جذابیت جنسی ایجاد کردن را مهم‌ترین کارکرد زن می‌دانست و آن را به عنوان جاذبه‌ای درون خانواده محدود می‌کرد تا مرد را به خانه و خانواده جذب کند اما وقتی این عمومی شود و در عرصه اجتماعی برایش قیمت گذاشته شود در عمل ما شرایطی مواجه می‌شویم که زن را در جامعه هم ابژه جنسی می‌داند و با همین کارکرد جذابیت جنسی او را به کارگیری می‌کنند و برای این ماجرا نرخ می‌گذارند؛ به این معنا که افراد با ظاهر جذاب‌تر به کارگیری می‌شوند. این تحقیر بسیار بزرگی است که زن را تنها یک ابژه جنسی ببینند.

به نظر می‌رسد الگوشن این فرم از اشتغال به واسطه فعال تر بودن بخش خصوصی در حوزه اشتغال، برای خود خانم‌ها هم آسیب‌هایی را در پی نداشته است؛ چرا که شاید خانمی بعد از مدتی به این مدل رفتاری عادت کند و در آن هضم شود اما به واسطه درونی مواجه خواهد شد. در سطح کلان نیز این مدل پوشش و رفتار می‌تواند ساختارهای اجتماعی و خانوادگی را تحت‌الشعاع قرار دهد و این مدل از اشتغال واجتماعی دانستن آن بسیار آسیب‌زننده بوده است. نظر شما چیست؟

دکتر خادمی: خطر آنجاست که این مسئله در حال نامحسوس شدن است و هم خانم و هم خانواده وی می‌پذیرند و باور می‌کنند باید اینگونه رفتار کنند و این دارد تبدیل به باور می‌شود. ابزار غرب رسانه است و با این ابزار خیلی خوب دارد این باورها را در جامعه شکل می‌دهد و وقتی موضوعی تبدیل به باور شد دیگر نمی‌توان مدل دیگری غیر از آن را متصور شد. در این شرایط دیگر نمی‌توان فضا را مدیریت کرد. برخی از جامعه زنان که در این تیپ مشاغل هستند خیلی هم احساس پرستیژی می‌کنند. هر قدر به حلقه‌های بالای سرمایه‌داری وصل باشیم بیشتر در این فرآیند احساس پرستیژی می‌کنید. به قول گدیزر نظام سرمایه‌داری همچون ارابه‌ای است که همه چیز را در بر چرخ خود می‌گیرد و می‌رود.

گفتمان انقلاب اسلامی را برای مقابله با نظام سرمایه‌داری مستقتر کرده‌ایم اما متأسفانه در حال حاضر مؤلفه‌های نظام سرمایه‌داری به شکلی نصفه، نیمه در جامعه ما اجرایی می‌شود و همین موجب شده تا تهداد چارچالش‌های جدی شویم. نظر شما چیست خانم دکتر اردبیلی؟

دکتر اردبیلی: دقیقاً همینطور است. این موجب شده تا تنشاهات منفی آنها را پیاده‌سازی کنیم و از سوی دیگر آن دلزدگی که در خود دنیای غرب در برابر نظام سرمایه‌داری ایجاد شده در کشور ما ایجاد نشود. درست شبیه توریستی که رفته بخشی از دنیای غرب را دیده و بقیه‌اش را ندیده است. در حالی که اهمیت حفظ و ارتقای خانواده را باید برای جامعه باز کرد و همه باید دغدغه‌شان این باشد. جامعه باید هزینه کند تا از زنانگی زن پاسداشت کند و زنان ما بتوانند زیست زانه‌شان را داشته باشند؛ اینکه برای

زیامن مرخصی مناسب داشته باشند، وقت آزاد داشته باشند تا بتوانند فرزندانشان را به‌خوبی تربیت کنند و بسیاری از اقدامات دیگری که می‌تواند در این زمینه صورت گیرد.

دکتر اردبیلی: موافق نیستید؟

دکتر اردبیلی: دقیقاً همینطور است. چون این زن نسل بعدی جامعه را تربیت می‌کند. البته با تمام چالش‌ها باید بگویم هنوز خانواده در کشور ما قداست و جایگاه دارد و در نگرش‌های جوانان ما وجود دارد. شاید برایتان جالب باشد به‌رغم افزایش جدی آمار طلاق، ما هنوز ۱۰ کشور کم‌طلاق دنیا هستیم. وقتی فشار جهانی شدن را در نظر بگیریم من فکر می‌کنم اگر انقلاب اسلامی ایران اتفاق نمی‌افتاد محال بود ما جزو ۱۰ کشور کم‌طلاق دنیا باشیم.

خانم‌ها بیانگر برخی آسیب‌هاست و برخی مشاغل برای خانم‌ها نظیر کارمندان آژانس‌های هواپیمایی یا منشی شرکت، به گونه‌ای جا افتاده که یک خانم محجبه یا خانمی با ظاهر ساده نمی‌تواند به این مشاغل ورود یابد. به گونه‌ای که انگار پوشش و آرایشی خاص از سوی فضای اشتغال منحرف شده به این بانوان تحمیل می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

دکتر خادمی: بله اشتغال این سبک رفتار را دارد الگو می‌کند و به آن شأنیت می‌دهد. هر چند آمار مصرف لوازم آرایش در زنان خانه‌دار بیشتر است اما این شأنیت دادن و اصالت دادن به این مدل زن شاغل کاملاً در سیستم‌های اشتغال خصوصی برای زنان مشهود است و ما یک بار هم نیامده‌ایم در قانونگذاری‌مان این مسائل را هم ببینیم؛ اینکه در حداقل موضوع جمهوری اسلامی باید نگاه جنسیتی را کنترل کند. حتی فمینیست‌ها هم به دنبال این هستند که جنسیت زن نباید ملاک قرار بگیرد. حتی اگر بنا بود غرب را هم ملاک خود قرار دهیم در این موارد حداقل هم نتوانستیم کارمان را به‌درستی انجام دهیم. البته در غرب در این حوزه‌ها به واسطه رویکردهای فمینیستی برای این مسائل ایستادگی می‌کنند. آنها در گفتمانی که هیچ نسبیتی با آن ندارند تلاش می‌کنند اما ما در جمهوری اسلامی ایران این گفتمان از خودمان است و این نهایت غربت است. گفتمان انقلاب اسلامی همه اینها را تأیید می‌کند و به آن بها می‌دهد اما ما در درون گفتمان خودمان نمی‌توانیم به مؤکدات آن عمل کنیم و زیستمان را با آن منطبق نماییم.

نگاه به زن به عنوان یک ابژه جنسی چه آسیب‌هایی را در بر دارد؟

دکتر اردبیلی: بخشی از کار ویژه زن جذب جنسی در نظر گرفته شده است همانطور که دیدگاه سنتی این ابژه جنسی بودن و جذابیت جنسی ایجاد کردن را مهم‌ترین کارکرد زن می‌دانست و آن را به عنوان جاذبه‌ای درون خانواده محدود می‌کرد تا مرد را به خانه و خانواده جذب کند اما وقتی این عمومی شود و در عرصه اجتماعی برایش قیمت گذاشته شود در عمل ما شرایطی مواجه می‌شویم که زن را در جامعه هم ابژه جنسی می‌داند و با همین کارکرد جذابیت جنسی او را به کارگیری می‌کنند و برای این ماجرا نرخ می‌گذارند؛ به این معنا که افراد با ظاهر جذاب‌تر به کارگیری می‌شوند. این تحقیر بسیار بزرگی است که زن را تنها یک ابژه جنسی ببینند.

به نظر می‌رسد الگوشن این فرم از اشتغال به واسطه فعال تر بودن بخش خصوصی در حوزه اشتغال، برای خود خانم‌ها هم آسیب‌هایی را در پی نداشته است؛ چرا که شاید خانمی بعد از مدتی به این مدل رفتاری عادت کند و در آن هضم شود اما به واسطه درونی مواجه خواهد شد. در سطح کلان نیز این مدل پوشش و رفتار می‌تواند ساختارهای اجتماعی و خانوادگی را تحت‌الشعاع قرار دهد و این مدل از اشتغال واجتماعی دانستن آن بسیار آسیب‌زننده بوده است. نظر شما چیست؟

دکتر خادمی: خطر آنجاست که این مسئله در حال نامحسوس شدن است و هم خانم و هم خانواده وی می‌پذیرند و باور می‌کنند باید اینگونه رفتار کنند و این دارد تبدیل به باور می‌شود. ابزار غرب رسانه است و با این ابزار خیلی خوب دارد این باورها را در جامعه شکل می‌دهد و وقتی موضوعی تبدیل به باور شد دیگر نمی‌توان مدل دیگری غیر از آن را متصور شد. در این شرایط دیگر نمی‌توان فضا را مدیریت کرد. برخی از جامعه زنان که در این تیپ مشاغل هستند خیلی هم احساس پرستیژی می‌کنند. هر قدر به حلقه‌های بالای سرمایه‌داری وصل باشیم بیشتر در این فرآیند احساس پرستیژی می‌کنید. به قول گدیزر نظام سرمایه‌داری همچون ارابه‌ای است که همه چیز را در بر چرخ خود می‌گیرد و می‌رود.

گفتمان انقلاب اسلامی را برای مقابله با نظام سرمایه‌داری مستقتر کرده‌ایم اما متأسفانه در حال حاضر مؤلفه‌های نظام سرمایه‌داری به شکلی نصفه، نیمه در جامعه ما اجرایی می‌شود و همین موجب شده تا تهداد چارچالش‌های جدی شویم. نظر شما چیست خانم دکتر اردبیلی؟

دکتر اردبیلی: دقیقاً همینطور است. این موجب شده تا تنشاهات منفی آنها را پیاده‌سازی کنیم و از سوی دیگر آن دلزدگی که در خود دنیای غرب در برابر نظام سرمایه‌داری ایجاد شده در کشور ما ایجاد نشود. درست شبیه توریستی که رفته بخشی از دنیای غرب را دیده و بقیه‌اش را ندیده است. در حالی که اهمیت حفظ و ارتقای خانواده را باید برای جامعه باز کرد و همه باید دغدغه‌شان این باشد. جامعه باید هزینه کند تا از زنانگی زن پاسداشت کند و زنان ما بتوانند زیست زانه‌شان را داشته باشند؛ اینکه برای زیامن مرخصی مناسب داشته باشند، وقت آزاد داشته باشند تا بتوانند فرزندانشان را به‌خوبی تربیت کنند و بسیاری از اقدامات دیگری که می‌تواند در این زمینه صورت گیرد.

دکتر اردبیلی: موافق نیستید؟

دکتر اردبیلی: دقیقاً همینطور است. چون این زن نسل بعدی جامعه را تربیت می‌کند. البته با تمام چالش‌ها باید بگویم هنوز خانواده در کشور ما قداست و جایگاه دارد و در نگرش‌های جوانان ما وجود دارد. شاید برایتان جالب باشد به‌رغم افزایش جدی آمار طلاق، ما هنوز ۱۰ کشور کم‌طلاق دنیا هستیم. وقتی فشار جهانی شدن را در نظر بگیریم من فکر می‌کنم اگر انقلاب اسلامی ایران اتفاق نمی‌افتاد محال بود ما جزو ۱۰ کشور کم‌طلاق دنیا باشیم.